

و تأکید را بر آن گذاشت که انسان ایرانی مسلمان باید «به خویشتن بالفعل و فرهنگ اسلامی خود» بازگردد. مسئله اما این بود که چنین رجعتی می‌بایست به کدام مذهب، سنت و خویشتن انجام می‌شد؟ از نظر این گروه از روشنفکران، بازگشت به نسخه‌ای از مذهب و سنت که تا آن زمان در پیوند با تعیینات فرهنگ ایرانی در خودآگاه و ناخودآگاه ذهن ایرانی آن جایی گرفته بود، فقط «تحصیل حاصل» تلقی می‌شد و تألی آن «خویشتنی» بود که فایده‌ای بر آن مترتب نبود و از قضایکی از عوامل رکود، سنت پرستی، بی‌مسئولیتی و تکرار مکررات بود. پس باید نسخه‌ای آگاهی‌بخش، مترقی، معترض و به‌عنوان یک ایدئولوژی روشنگر از مذهب و سنت ارائه می‌شد که روشنفکری مذهبی و غیرمذهبی مسئولیت سیاسی و اجتماعی خود را از آنجا آغاز می‌کرد. به هر رو این نگاه ایدئولوژیک و مضیق بازگشت به خویشتن و فراتر از آن سنت و منابع آن، تالی‌های شوم بسیاری را با خود داشت و در چندهده گذشته بیراهه‌هایی را در برابر سیاست و اجتماع ایرانی گشود که سهم بسزایی در وضعیت نابسامان و آشفته کنونی ایران امروز دارد.

فروگاستن تاریخ بیهقی به تبع ادبی

اما یکی از آفات این رویکرد به سنت و خویشتن، فروگاستن متن‌های اساسی و شاخص سنت و فرهنگ ایرانی به تتبعات ادبی است که در تأملات روشنفکری مسئول، مترقی و انقلابی جایی نداشتند. درواقع این متون برپایه عقلانیتی تقریر شده‌اند که برخلاف آن نگاه معترض و آگاهی‌بخش روشنفکری اهل پیکار و اهل سیاست انقلابی، سخن از جهانداری، دوران‌دیشی و رواداری ایرانی با نظری بر مصالح عامه می‌گوید. یکی از مهمترین نمونه‌های آن، تاریخ بیهقی است که رویکرد نویسنده آن به رخدادهای تاریخی و شیوه نگارش آنها از شگفتی‌های تاریخ ادبیات و فرهنگ ایرانی است.

آنگونه که ابوالفضل بیهقی می‌گوید، غرض او از این تقریر تاریخی، بازگ کردن احوال سلطان مسعود غزنوی برای مردمان معاصر خود، کسانی که روزگار مسعود را درک کرده و واقف به همه «ادوات سیاست و ریاست» او بوده‌اند، نیست. او مقصود اصلی خود را تقریر «تاریخ پایه‌ای» و شاید با نظری بر فردوسی افراشته‌کردن «بنایی بزرگ» می‌داند که «ذکر آن تا آخر روزگار باقی ماند». گرچه بخش‌های زیادی از چنین تاریخی صرف شرح دسیسه‌ها، جاه‌طلبی‌ها، رقابت‌ها، ذالت‌ها و سببیت‌های امیران ترک و درباریان و فروگرفتن بندگان و رعایاست، اما نویسنده با ذکر چند حکایت تاریخی از روزگاران دور و نزدیک، اقدام به بازنمایی و انتقال سنت خردوزی و جهانداری ایرانیان توسط دبیرانی همچون بنو نصر



یکی از آفات

رویکرد «بازگشت به

خویشتن»، فروگاستن

متن‌های اساسی

و شاخص سنت و

فرهنگ ایرانی به

تتبعات ادبی است که

در تأملات روشنفکری

مسئول، مترقی و

انقلابی جایی نداشتند.

درواقع این متون

بر پایه عقلانیتی تقریر

شده‌اند که برخلاف

آن نگاه معترض

و آگاهی‌بخش

روشنفکری اهل

پیکار و اهل سیاست

انقلابی، سخن

از جهانداری،

دوران‌دیشی و رواداری

ایرانی با نظری بر

مصالح عامه می‌گوید

مُشکنان یا ووزیرانی مانند برمکیان، به‌عنوان حاملان تاریخی چنین سنتی، در زمانه استیلای خلیفانگ و ترکان بر ایران زمین می‌کند.

حکایت یحیی برمکی و هارون الرشید

یکی از نمونه‌های قابل تأمل «تاریخ‌بیهقی»، «حکایت کشمکش یحیی برمکی و هارون الرشید، خلیفه عباسی است. این داستان با شرح سربرآوردن «ناجی» در طبرستان به‌نام یحیی علوی و ترس خلیفه از بالا گرفتن کار او آغاز می‌شود و توضیح می‌دهد که چگونه فضل، پسر یحیی برمکی با توصیه پدر و درایت خویش، این علوی ناچم را با مذاکره بسیار و بدون ریختن خونی، ترغیب به صلح و اطاعت از خلیفه می‌کند تا هم حرمت علویان که برمکیان به‌رسم ایرانیان، دل در گرو آنان داشتند حفظ شود و هم خلیفه از این مهلکه خلاص شود و مصلحت عامه مسلمین حفظ شود. با چیره‌شدن عصیت عربی قبیله‌ای خلیفه بر خردوزی و منطق جهانداری دبیران ایرانی که در آن تدبیر «ادوات سیاست و ریاست» بر مدار مصلحت عامه قرار می‌گرفت، یحیی و پسرانش، ظن خلیفه را برانگیختند. پس از آن بود که خلیفه پس از استعفای فضل برمکی، علی بن عیسی بن ماهان را به امیری خراسان و ماورالنهر فرستاد. نصب علی بن عیسی به امیری خراسان بر خلاف رأی یحیی بود که او را مردی جبار و ستمکار می‌دانست و از سرانجام امیر سفاکی چون او در خراسان، با مرزی ناآرام و مورد تهاجم ترکان، بیمناک بود. آنچنان‌که بیهقی می‌گوید، آن ترس یحیی بی‌سبب نبود و «علی خراسان، ماورالنهر، ری، جبال، گرگان، طبرستان، کرمان، سیاهان، خوارزم، نیمروز و سیستان یکند و بسوخت و آن ستم‌دگر حد و شمار بگذشت».

از آنجا که علی از عصیت قبیله‌ای و عربی خلیفه آگاه بود با فرستادن هدایایی بی‌شمار سویی بغداد و درگاه خلیفه سبب خوش آمد او شد و گر آن‌گرددش بر آل برمک» شد. بنا بر سنت دیرینه دبیران ووزیران ایرانی و به سباقی سلف خود بزرگمهر، در برابر بی‌رسمی‌های خلیفه، یحیی را قصد خاموشی نبود و آن چنان‌که به فرزندان خود می‌گوید: «تا بر جایم سخن حق ناچار بگویم و به تملق و رزق مشغول نشوم» و درنهایت یحیی در فقره‌ای با هشدار به فساد و بی‌رسمی‌های علی بن عیسی در خراسان با صراحت و صلابت خاص وزیران ایرانی خطاب به خلیفه می‌گوید: «خراسان نغری [مرز] بزرگ است و دشمنی چون ترک نزدیک، بدین هدیه که فرستاد نباید نگرست، که از ده درم که بسته‌اند است دو یا سه فرستاده است. و بدان باید نگرست که ساعت تا ساعت خلّی افند که آن را در نتوان یافت. که مردمان خراسان چون از خداوند [خلیفه] نومید شوند دست به ایزد، عَزّ ذکره، زنند و فتنه‌ای بزرگ

به پای کنند و از ترکان مدد خواهند، و بترسم که کار بدان منزلت رسد که خداوند را به تن خویش باید رفت تا آن را در تواند یافت، و به هر درمی که علی عیسی فرستاد پنجاه درم ثنقات باید کرد و یا زیادت، تا آن فتنه بنشینند.»

درنهایت با چیرگی عصیت قبیله‌ای خلیفه بر خردوزی، مصلحت‌نگری و دوراندیشی یحیی و پسرانش، کار برمکیان به پایان رسید و خلیفه آنها را فروگرفت اما آن‌چه یحیی، خلیفه را نسبت به آن هشدار می‌داد، رخ داد و بی‌رسمی‌ها و فساد علی بن عیسی تا آنجایش رفت که همه «خراسان پر فتنه گشت». این آشوب به‌حدی رسید که فرستاده‌ها را دیگر امیدی نبود و هارون و پسرش مامون، مجبور به لشکرکشی به خراسان برای دفع فتنه‌ها شدند. آنچنان‌که بیهقی نقل می‌کند هارون «در اثر این راه به چند کزت گفت: دریغ آل برمک! سخن یحیی مرا امروز یاد می‌آید». گر چه مامون درنهایت و با زحمت بسیار فتنه‌ها را خاموش کرد اما هارون چون به طوس رسید، در آنجا درگذشت.

مددخواهی رعیت از بیگانگ

بی‌شک هشدار یحیی برمکی به خلیفه در باب فتنه حاصل از فساد و تبعیض و مددخواهی رعیت از بیگانگان از سر نومی‌دی و استیصال، نەنتنها تا رسیدن آن هنگامه بزرگ در خراسان اثری بر خلیفه نداشت، بلکه سده‌هایی بعد از آن نیز با ورود ایران به تاریخ مدرن خود و سرنمونی دولت ـملت مدرن ایرانی، این آیین ملک‌داری و جهانداری که ریشه در خرد و عدالت ایران‌شهری داشت، زیر پرده پندار ایدئولوژی‌های باسمه‌ای رنگ باخت و به سطح تبعات ادبی فروکاسته شد. در بی‌توجهی به این میراث حکمرانی و جهانداری ایرانی، اهل سیاست ما به پیروی از روشنفکری اهل پیکار و ایدئولوژی، آن‌چه کرد، زدودن «آگاهی ملی و به بند کشیدن روح آزادگی ایرانی بود». پس اکنون با رخ‌دادن هنگامه بزرگ دیگری برای ایران و عیان‌شدن دوباره ناکارآمدی و خسارت‌بار بودن ایدئولوژی‌های غیرملی، باید در این سخن که بارها گفته شد اما گوش شنوایی برای آن نبود، بار دیگر تأمل کرد: «می‌توان بر ایران فائق آمد، آن را تسخیر کرد، اما ادامه فرمانروایی و اداره آن هرگز امری آسان و در دسترس هر خرننده‌ای نبوده است. یکی از امور خلاف‌آمد عادت در فرمانروایی در ایران و بر آن، این است که جز با درکی عمیق از فرهنگ فراگیر آن نمی‌توان حکومتی پایدار در آن ایجاد کرد.»

برای فقرات ذکرشده از تاریخ بیهقی بنگرید به: دیبای دیداری (متن کامل تاریخ بیهقی)، به کوشش محمدجعفر باحقی و مهدی سیدی، انتشارات سخن، چاپ پنجم، ۱۴۰۳، صص ۴۵۵-۴۶۲

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان تهران - اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک شهری هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون وماده ۱۱۳آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۹۰/۴۰۵۴۰۱۴۰۴۶۶۸ مورخ ۱۳۹۴/۳/۱۷ مورخ ۱۳۹۴/۳/۱۷ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شهری تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای مهدی مهیار به شناسنامه شماره ۴۰ گد ملی ۳۹۶۳۹۳۹۳۶۶ صادره از نهانود فرزند محمد در شش‌دانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی در آن به مساحت ۶ مترمربع پلاک شماره ۳ فرعی از ۱۶ اصلی واقع در تهران بخش حوزه ثبت ملک شهری خربداری بموجب (قولنامه عادی و کد ۹۷۷ مجموعه بخشنامه‌های ثبتی مورد ثبت صفحه ۵۵۳ دفتر ۶) محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو صورت به قافات اصلی ۱/ روزآگهی می‌شود در صورتی که اشخاص قصد به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراض داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دوماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۳۹۴/۴/۲۱ تا تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۳۹۴/۵/۱۴

سید مهدی لاهی - رئیس ثبت اسناد و املاک شهری

عرفانی. امر ایرانی، تقدیر تاریخی و وحدت جهانی مشترک است. ایران گاه معنایی دینی داشته است، گاه سیاسی و گاه رنگی عرفانی به خود گرفته است. اسطوره‌های حماسی که در نسبتی مستقیم با سیاست بوده‌اند گاه در منظومه‌های عرفانی معنایی رمزی به خود گرفته‌اند و برعکس رمزهای عرفانی خود عامل تداوم حیات مشترک و جمعی بوده‌اند، بنابراین اثری سیاسی داشته‌اند. این رفت و برگشت امر ایرانی در جهان ظاهر و باطن، آشکارا ماهیت پیشاسیاسی آن را می‌نمایاند؛ امر ایرانی بر دولت مستقر و هر واحد سیاسی مقدم است. ایران آن جایگاه و آن مسکن مألوفی است که امکان ظهور مردمان، پادشاهان، سرداران، وزیران، کاخ‌ها، حماسه‌ها، نقالن، آتشکده‌ها، مسجدها، بازارها، باغ‌ها، کشتزارها، رقص‌ها، قالی‌ها، موسیقی‌ها، شاعران، عارفان، حکیمان، دهکده‌ها، شهرها، بناها و کوچه‌ها را داده است. این ایران پیشاسیاسی است که امکان ظهور ایران به‌مثابه واحد سیاسی و دولت ـملت را داده است. آنچه در طول تاریخ می‌بینیم این است که چه واحدی سیاسی به‌نام ایران باشد، چه نباشد، درکی از امر ایرانی به انحای گوناگون وجود دارد. وطن در این معنا امری پیشاسیاسی است و محل ظهور تقدیر تاریخی ما، دفاع از آن به وجود یا عدم هیچ دولتی گره نخورده است، وطن شرط ظهور سیاست است و نه عارضه فرعی آن، چیزی که درک آن برای آگاهی سیاسی مدرن که تنها در صورت دولت ـملت می‌اندیشد غیر ممکن است. دولت‌ها، فرماندهان، دین‌ها و سنت‌ها همگی ظهورات این وحدت جهان تاریخی هستند که امر ایرانی نام دارد.

دولت‌ها می‌توانند جبار یا عادل باشند، اما امر ایرانی همچون وطن در عالم ظاهر یا باطن تجلیات خود را دارد. آنچه باید از آن دفاع کرد همین جایگاهی است که محل و مقام ظهور تقدیر تاریخی ایران است. از سوی دیگر، وطن در این معنا جایگاهی است برای مقاومت. دولت مدرن می‌کوشد مفهوم وطن را به چنگ آورد، دولت صریح یا ضمنی می‌گوید: وطن منم! اما وطن در معنا پیشاسیاسی خود به‌طور مطلق در مفهومی عقلانی به چنگ نمی‌آید و از همین رو وطن منزلگاهی است که سکونت در آن همیشه از شهروند تلقی خاص بودن، فراتر می‌رود. جهان زیسته ایرانی، حاکی است که دولت‌ها ـ چه عادل، چه جبار ـ در آن روینده‌اند و از این رو فقط با بازگشت به آن خاک و پرورن دوباره‌اش است که می‌توان گیاهی نو رویند.

نگاه حقوقدان

حق نشر شعر و موسیقی باکیست؟



ابراهیم ایوبی

وکیل دادگستری

دنیای هنر فضای احساسی خاص خود را دارد ولی این موضوع مانع از رسمیت حقوق پدیدآورندگان آثار هنری نیست. هر اثر هنری دو بُعد دارد: بُعد معنوی که نشانگر تعلق اثر به آفریننده، فراتر از زمان و مکان و غیرقابل انتقال است؛ و جنبه مادی که درآمد ناشی از هنر را به تولیدکننده آن مربوط و قابل انتقال می‌داند. جدای از راهبردهای کلاسی همچون اصل ۴۶ «قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران» که هرکس را مالک حاصل کسب و کار مشروع خویش می‌داند یا «سیاست‌های کلی تشویق سرمایه‌گذاری» (ابلاغ‌شده در ۲۶ بهمن ۱۳۸۹) که در بند یکم بر «حمایت از مالکیت و کلیه حقوق ناشی از آن از جمله مالکیت معنوی» تأکید دارد؛ منبع اصلی حق نشر (Copy Right) آفرینش‌های هنری نظام حقوقی ایران، «قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان» مصوب ۱۱ دی‌ماه ۱۳۴۸ است. گرچه از تصویب این متن ۵۶ سال می‌گذرد، ولی همچنان معتبر بوده و با وجود تحول در آثار هنری تا حد زیادی کارایی دارد.

بر اساس ماده ۳ این قانون: «حقوق پدیده‌آورنده شامل حق انحصاری نشر و پخش و عرضه و حق بهره‌برداری مادی و معنوی از نام و اثر اوست». قواعد این قانون شامل کتاب، نمایش‌نامه، شعر و ترانه و سرود، موسیقی، نقاشی، معماری، فیلم، عکاسی و هنرهای ترکیبی می‌گردد. در ماده ۱۹ به‌صراحت بیان شده: «هر گونه‌تغییر یا تحریف در اثرهای مورد حمایت این قانون و نشر آن بدون اجازه پدیدآورنده ممنوع است». در ماده ۲۵ به عنوان ضمانت اجرای کیفری برای تغییر یا تحریف پیش‌بینی شده که نقض‌کنندگان به سه ماه تا یک سال حبس محکوم خواهند شد. همچنین شاذی می‌تواند علاوه بر درخواست جبران خسارت، از دادگاه صادرکننده حکم نهایی در خواست نماید دو مقام حکم در یکی از روزنامه‌ها به انتخاب و هزینه او آگهی شود. این حق پس از فوت پدیدآورنده تا پنجاه سال به همه‌وراث تعلق می‌گیرد.

در سال‌های اخیر پخش بدون مجوز یا تحریف شده سه اثر موسیقایی جنجال‌برانگیز شد: نخست، خانواده فرهاد مهارد از طریق وکیل خود برای پخش بدون اجازه آثار او در صداوسیما اقدام به طرح دعوی در محاکم دادگستری نمودند که دادگاه با صدور دستور موقتی همه‌شکایه‌های رادیویی و تلویزیونی را از پخش این آثار منع کرد؛ دوم، شعر «یار دبستانی من» سروده منصور تهرانی کارگردان و ترانه‌سرای سال‌های دور سینما که اولین بار در پایان‌بندی فیلم «از فریاد تا ترور» شنیده‌و بعد‌ها به‌عنوان نماد جنبش دانشجویی شناخته شد، در برنامه‌ای تلویزیونی در شبکه دوم سیما با زبانی طنز تحریف شد که واکنش‌هایی را به دنبال داشت؛ سوم، پخش بدون مجوز یکی از آثار استاد محمدرضا شجریان از تلویزیون که با شکایت آثارخاطره‌انگیز به‌عنوان میراث نامولموس قابلیت ثبت در فهرست میراث فرهنگی ملی یا جهانی را دارد.

جدای از مباحث حقوقی، از مردم جامعه‌ای اخلاقی‌مدار انتظار می‌رود که به دست‌آورد دیگران که حاصل مهارت و کوشش است احترام بگذارند. حقوق معنوی افراد که در شریعت اسلام به «حق الناس» تعبیر گردیده مورد احترام فقها نیز بوده است؛ برای نمونه آیت‌الله ناصر مکارم‌شیرازی از مراجع تقلید مقیم قم، حق کپی‌رایت‌اربارای صاحبان آثارمحموظ‌می‌دانند. متأسفانه بسیاری از شبکه‌های ماهواره‌ای فیلم یا سریال‌های تولیدشده در شبکه خانگی را بدون اجازه شبانه‌روز پخش می‌نمایند که خسارات جبران‌ناپذیری برای تهیه‌کنندگان دارد. عده‌ای در اعتبار قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان سال ۱۳۴۸ شبهه ایجاد کرده‌اند که در پاسخ باید گفت تا قانونی توسط متن دیگری صریح یا ضمنی نسخ نشود، از اعتبار برخوردار خواهد بود و قدمت یک قانون نمی‌تواند موجب کاهش اعتبار آن شود؛ همان گونه که «قانون مدنی» که جلد نخست آن در سال ۱۳۰۲ به تصویب رسیده و احکام مهمی همچون نكاح و طلاق را در خود دارد، امروزه‌روز منشأ اثر و تنظیم‌کننده روابط اجتماعی است.

امور حقوقی و قرارداده‌ا - شرکت ملی مناطق نفتخیز جنوب

WWW.NISOC.IR http://iets.mporg.ir

ششانه ۲گهی: ۱۹۶۰۹۵